

عرضه و تقاضا در بازار گاز جهان در گفتوگو با عادل۱ | الانجی برگ برنده ایران است



دبیرکل پیشین مجمع کشورهای صادرکننده گاز معتقد است اگر ایران می‌توانست برنامه توسعه صنعت الانجی خود را در دهه اخیر به‌درستی پیش ببرد هم اکنون می‌توانست سهم ۱۵ درصدی از صادرات الانجی را به خود اختصاص دهد و دنیا نمی‌توانست به راحتی تحریمش کند.

برآوردها از بازار گاز جهان و تقاضای این کالا که رفته رفته به یک کالای راهبردی تبدیل می‌شود، رو به افزایش است به نحوی که در ۲۰ سال آینده سبد مصرف انرژی به سمت گاز، سنگینی خواهد کرد و رشد سالانه ۱٫۸ درصدی را تجربه می‌کند. در این میان ایران با دارا بودن ۱۸ درصد از ذخایر گازی دنیا، اگرچه سهم اندکی در تجارت جهانی گاز ایفا می‌کند، اما تلاش دارد در سال‌های آینده نقش خود را در این زمینه از طریق تولید و صادرات الانجی پررنگ کند و به یکی از بازیگران مهم در این بخش بدل شود.

گفتوگو با محمدحسین عادل۱، پیرامون بازار گاز جهان و تحریم ایران از سوی آمریکا انجام شد که در ادامه می‌خوانید.

در سال‌های اخیر توجه به استفاده از گاز به عنوان انرژی پاک در دنیا رو به افزایش بوده و در سال‌های آینده هم سهم گاز در سبد انرژی کشورها بالا خواهد رفت، لطفا ارزیابی خود را از بازار کنونی گاز بفرمایید؟

بازار گاز همچنان یک بازار بالنده است، به این معنا که همچنان مورد توجه بسیاری از کشورهاست. بسیاری از کشورهای بزرگ مصرف‌کننده گاز مانند چین و هند به دنبال افزایش سهم گاز در ترکیب انرژی خود هستند، به همین دلیل تقاضا برای گاز به‌طور کلی و به‌ویژه تقاضا برای الانجی، بیشتر از پیش‌بینی‌های انجام شده در خلال سال گذشته میلادی و نیمه نخست سال جاری میلادی رشد داشته است. در عین حال، در

بخش عرضه گاز، مقدار عرضه فراوان بوده است. در واقع افزون بر عرضه‌کنندگان سنتی گاز مانند روسیه، کشورهایمانند الجزایر، قطر و آمریکا، مقدار صادرات خود را در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ افزایش داده‌اند. به این ترتیب مشاهده می‌کنید که در یک سال گذشته بازار گاز بازاری پرجنب و جوش بود و همچنان هم در سال‌های آینده بازاری پوینده با یک توازن معقول بین عرضه و تقاضا خواهد بود. البته تصور این است که با آغاز صادرات پروژه‌های استرالیا، آمریکا و مقداری هم آفریقا، مقدار عرضه گاز با وجود پیش‌بینی افزایش تقاضا، باز هم مقداری کم شود. در نتیجه پیش‌بینی فزونی عرضه بر تقاضای گاز در اوایل سال ۲۰۱۷، مقداری کاهش یافته است. با این حال همچنان تصور این است که روند افزایشی عرضه گاز ادامه یابد.

روند افزایش عرضه گاز تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

پیش‌بینی می‌شود در چهار، پنج سال آینده موج بعدی افزایش صادرات الانجی با توجه به سرمایه‌گذاری که قطر انجام داده است، شکل گیرد. منتها معتقدم مهم‌ترین تحولی که سال‌های آینده در بازار گاز جهان رخ خواهد داد به کشورهای چین و هند مربوط می‌شود، زیرا درصد سهم گاز در سبد انرژی خود را افزایش می‌دهند. برای نمونه ترکیب سهم گاز در سبد انرژی چین تا سال ۲۰۳۰ از ۶ به ۱۵ درصد و هند از ۵ به ۹ درصد می‌رسد. یا برای نمونه کشور هند رشد تولید زغال سنگ خود را تا سال ۲۰۳۰ متوقف خواهد کرد که این رشد به نفع بازار گاز خواهد بود. به این ترتیب بازار گاز با توجه به رشد خوب سالانه حدود ۱,۸ درصد تا سال ۲۰۴۰، در بلندمدت وضع خوبی خواهد داشت.

مقدار عرضه و تقاضا برای الانجی در سال‌های آینده چگونه می‌رسد؟

گاز هم اکنون در سراسر جهان به دو روش انتقال با خط لوله و حمل محموله‌های الانجی عرضه می‌شود. با توجه به این که هم‌اکنون بحث صادرات الانجی در بازارهای جهانی افزایش یافته و این موضوع روی تحلیل‌های مربوط به این بازار بسیار اثرگذار است، بنابراین به نظر می‌رسد در سال‌های آینده شاهد رونق صادرات گاز در این بخش باشیم.

هم اکنون صادرات الانجی دنیا حدود سالانه ۲۸۳ میلیون تن و واردات آن هم همین حدود است که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۱۸ به ۲۹۵ میلیون تن برسد، یعنی بالای ۳۱۵ میلیارد مترمکعب، این در حالی است که کل صادرات گاز دنیا حدود هزار میلیارد مترمکعب است. سهم الانجی در بازار گاز هم‌اکنون حدود ۳۰ درصد و سهم خط لوله هم حدود

۷۰ درصد (حدود ۶۹۰ میلیارد مترمکعب) است.

در یکسال گذشته شاهد نوسانهای فراوانی در قیمت نفت بودیم؛ این نوسانها چه تاثیری روی قیمت گاز داشته است؟

پیش از پاسخ به این پرسش باید عنوان کنم که قیمت نفت در خلال یک سال گذشته قوام بهتری داشته است، به نحوی که قیمت‌ها از حدود ۴۵ دلار به بالای ۷۰ دلار برای هر بشکه رسیده است، حتی برآوردها برای افزایش قیمت نفت نسبت به برآوردهای پیشین بیشتر شده است. برای نمونه برآورد می‌شود که در سال ۲۰۱۸ شاهد افزایش تقاضای ۱,۹ میلیون بشکه‌ای نفت در روز باشیم که این افزایش تقاضا جدای از این است که برخی تولیدکنندگان مانند لیبی، نیجریه یا ونزوئلا نتوانند تولیدی انجام دهند. بنابراین تصور این است که در شرایط کنونی قیمت نفت ۶۵ تا ۷۵ دلار باشد که اگر اتفاقاتی ژئوپولیتیک نیفتد، قیمت نسبتاً مناسبی است.

اما پاسخ پرسش شما؛ نسبت قیمت گاز به نفت و رابطه‌شان، همچنان یک رابطه محکم و برقرار است، زیرا همچنان قراردادهای بلندمدت گاز در آسیا بر پایه نفت استوار است. نفت یک کالای جهانی و قابل پیش‌بینی است، در نتیجه قیمت نفت در قراردادهای بلندمدت به عنوان یک لنگر وارد می‌شود، البته قیمت‌ها گاز در جهان مبتنی بر پایه نفت مقداری بالاتر از قیمت نفت است، با این حال پایداری آن نسبت به پایه نفت بیشتر است.

قیمت گاز بر پایه نفت و قیمت گاز در قراردادهای بلندمدت هم اکنون در آسیا چه رقمی است؟

قیمت گاز بر پایه نفت در آسیا حدود ۱۲ دلار است، اما در قراردادهای بلندمدت گاز حدود ۱۱,۲ دلار معامله می‌شود. البته قیمت‌های آسیایی بالاترین قیمت‌ها در معامله گاز هستند، آن هم به دلیل تفاوت بین قراردادهای تک محموله و بلندمدت است و مقداری هم به دلیل عرضه و تقاضای فصلی.

قیمت گاز در اروپا در بخشهای مختلف این قاره مانند اروپای جنوبی، اروپای شمالی و NBP انگلیس، هم اکنون ۷,۷ تا ۸,۸۰ دلار برای هر بشکه است. گاز در هنری هاب آمریکا نیز براساس قیمت داخلی آمریکا مبادله می‌شود؛ هم‌اکنون ۲,۸۰ دلار است. البته این قیمت، قیمت بورس داخلی گاز آمریکاست، حال اگر این کشور بخواهد گاز را صادر کند با نرخ ۲ دلار صادر نمی‌شود. سه عنصر مایع‌سازی یا شیرین‌سازی گاز،

حمل و نقل و تبدیل الانجی به گاز روی هزینه یا قیمت صادرات اثر میگذارد و به افزایش سه و حتی بیش از ۴ دلاری قیمت‌ها منجر میشود.

با توجه به این که در ماه‌های اخیر بحث تحریم نفت ایران از سوی آمریکا به عنوان نخستین کشور دارنده منابع هیدروکربوری جهان شدت یافته، عملی شدن تحریم‌ها چه تاثیری روی بازار جهانی گاز خواهد داشت؟

گاز جایگزینی مهم برای همه منابع انرژی از جمله نفت است. در نتیجه بیشک اگر اتفاقی برای نفت بیفتد که سبب افزایش قیمت آن شود، متعاقب آن قیمت‌های مربوط به گاز هم تقویت میشود. این تقویت در یک بازه زمانی مشاهده میشود. به این معنا که وقتی قیمت نفت بالا میرود در یک بازه زمانی دو تا چهار ماه، بسته به وضع منطقه، این افزایش قیمت به قیمت گاز هم سرایت میکند، اما نکته این است که با افزایش قیمت نفت، قیمت گاز هم بلافاصله تقویت میشود.

درباره ایران و اثرگذاری تحریم نفت این کشور بر بازار جهانی گاز، با توجه به سهم اندک ایران (سهم ۳ درصدی در بازار جهانی گاز) اتفاق خاصی در بازار جهانی گاز رخ نمیدهد.

اگر فرض را بر این بگذاریم که ایران یکی از بازیگران هم بازار جهانی گاز بود، تحریم نفت ایران از سوی آمریکا باز هم اثری روی قیمت‌های جهانی گاز نمیگذاشت؟

باید مفروضات مختلف را تصور کنیم. برای نمونه اگر تصور کنیم سه پروژه ایران الانجی، پارس الانجی و پرشین الانجی در ایران اجرا میشد، ایران میتواند بین ۳۵ تا ۴۵ میلیون تن صادرات الانجی داشته باشد که با توجه به صادرات ۲۸۰ میلیون تنی الانجی در جهان، ایران سهم ۱۵ درصدی از تجارت جهانی گاز داشت، در این صورت قطعاً تحریم نفت ایران، بازار گاز را هم بهم میریخت و به سادگی نمیشد درباره تحریم نفت ایران تصمیم گرفت، زیرا گاز به یک مولفه مهم قدرت بین‌المللی تبدیل میشد.

درست است که ایران هم اکنون سهم اندکی در تجارت جهانی گاز دارد، اما این سهم مربوط به صادرات گاز با خط لوله است، منتهی باز هم معتقدم اگر میتوانستیم برنامه‌های توسعه‌ای در بخش صادرات الانجی را اجرایی کنیم، قادر بودیم الانجی را به بسیاری از کشورها در هر منطقه‌ای صادر کنیم و این برای ایران یک مزیت و قدرت چانه‌زنی محسوب می‌شد.

البته صادرات گاز با خط لوله هم مزیت‌های خود را دارد. این طور نیست که همه تخم مرغ‌های خود را در یک سبد بگذاریم.

بله درست است، خط لوله هم مزیت‌های خودش را دارد و من این موضوع را رد نمی‌کنم. منتها علت این که معتقدم صادرات الانجی بر خط لوله مزیت دارد این است که الانجی می‌تواند از مبدا حرکت کند و به هر منطقه‌ای که خریدار تمایل دارد، برود، در این بازار خریدار و فروشنده به ارتباطات سیاسی و ترانزیتی وابسته نیستند.

وقتی نفت ایران را می‌توانند تحریم کنند بدون تردید قادر به تحریم الانجی نیز خواهند بود و در این صورت الانجی مزیت چندانی نسبت به خط لوله نداشت.

در این صورت باید هزینه تحریم و حذف ایران از بازار الانجی پرداخت شود. وقتی شما کالایی دارید و این کالا تحریم می‌شود، طبیعی است کشوری که آن را تحریم می‌کند یا افرادی که از خرید منصرف می‌شوند باید هزینه این کار خود را بپردازند، معتقدم هزینه تحریم الانجی ایران در صورتی که همان سهم ۱۵ درصدی را در این تجارت داشتیم، بالا می‌شد. در نتیجه طبیعی است که کشورها باید هزینه بیشتری برای تحریم ایران می‌پرداختند که این یعنی قدرت ایران. معتقدم تحریم الانجی سخت‌تر از تحریم خط لوله است. زیرا الانجی را با کشتی حمل می‌کنید و هرجا که دوست دارید تخلیه می‌کنید.

به اعتقاد کارشناسان در ۲ دهه آینده، گاز سهم بالایی در سبد مصرف سوخت جهانی ایفا می‌کند. از نظر شما سهم آسیا از این بازار چقدر خواهد بود و آیا تولیدکنندگان گاز آسیا به متقاضی مهم این بازار تبدیل خواهند شد؟

در ۲۰ سال آینده، سهم گاز در سبد انرژی دنیا از ۲۲ درصد کنونی به ۲۶ درصد افزایش می‌یابد که سهم بالایی خواهد بود. هم‌اکنون نفت و زغال سنگ مهم‌ترین منابع انرژی را در دنیا تشکیل می‌دهند، اما در ۲۰ سال آینده گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر روی هم رفته، بزرگ‌ترین منبع انرژی جهان خواهند بود. ضمن این‌که در این بازه زمانی هم مصرف زغال‌سنگ و هم نفت کاهش می‌یابد و در این میان همان طور که در بالا هم اشاره کردم کشورهای چین و هند تا سال ۲۰۴۰ به تنهایی ۴۰ درصد تقاضای جهانی گاز را به خود اختصاص می‌دهند.

افزون بر این، مصرف گاز در آسیای جنوبی افزایش خیره‌کننده‌ای خواهد داشت و تقریباً سه برابر مقدار کنونی خواهد شد. اتفاق جالبی که در

خلال ۲۲ سال آینده تا سال ۲۰۴۰ می‌افتد، این است که رشد اقتصادی و درآمد سرانه کشورهای آسیای جنوب شرقی برای نمونه ویتنام و بنگلادش، سه برابر می‌شود و به مقدار اروپای شرقی امروز می‌رسد. یعنی برای نمونه رقمی حدود ۱۵ هزار دلار می‌شود که این امر از افزایش مصرف گاز حکایت دارد.

با توجه به این‌که ۱۸ درصد از ذخایر گاز دنیا در اختیار ایران است، سهم ایران از تجارت جهانی گاز در ۲۰ سال آینده چقدر خواهد بود؟

پاسخ به این پرسش به راهبرد صادرات گاز ایران در سال‌های آینده بستگی دارد. اما از نظر کارشناسی باید بگویم، اگر بخواهیم از انرژی گاز به عنوان یک مولفه قدرت استراتژیک بین‌المللی در بازار بین‌المللی استفاده کنیم، نیاز داریم در درجه اول و با اولویت خاص علاوه بر این‌که پروژه‌های ایران الان‌جی را اجرایی کرده و سهم‌مان را در تجارت جهانی الان‌جی افزایش دهیم، حتماً ۲ پروژه دیگر الان‌جی تعریف و اجرایی کرده و به سمتی حرکت کنیم که تا ۲۰ سال آینده صادرات الان‌جی خود را به ۵۰ میلیون تن برسانیم. در آن زمان است که در بازار اروپا و آسیا می‌توانیم سهم بسیار خوبی داشته باشیم.

تفاوت الان‌جی و خط لوله این است که چنانچه ۲ کشور با هم همسایه باشند کاملاً مشخص است که صادرات گاز با خط لوله خیلی بهتر است، اما اگر ۲ کشور همسایه نباشند و مسائل استراتژیک هم نداشته باشند، بهترین امکان و ابزار در این بین برای دور زدن مسائل سیاسی صادرات گاز به صورت الان‌جی است. انعطاف‌پذیری در بخش صادرات الان‌جی بسیار زیاد است، در حالی که در خط لوله انعطاف‌پذیری نداریم. البته این را هم بگویم من مخالف خط لوله نیستم، اما به نظرم الان برای صادرات گاز ایران باید به سمت الان‌جی برویم.

با توجه به شرایط کنونی، فکر می‌کنید ایران همچنان جذابیت بالایی برای سرمایه‌گذاری در بخش الان‌جی دارد؟

ما برای اجرای خیلی از پروژه‌های مختلف خود به مشارکت و سرمایه‌های خارجی نیاز داریم و باید زمینه‌سازی لازم برای جذب سرمایه‌گذار خارجی را داشته باشیم. در باره شرایط کنونی ایران و تحریم‌های آمریکا علیه ایران باید بر نکته مهمی تاکید کنم؛ این که شرایط تحریم‌های قبل از برجام با شرایط الان تفاوت اساسی دارد. این تفاوت اساسی عبارت است از این‌که ما قبل از برجام به لحاظ رسمی و حقوقی

از نظر قواعد بین‌المللی، مورد تحریم قرار گرفته بودیم و به موجب قطعنامه‌های شورای امنیت کشورهای عضو سازمان ملل موظف بودند ایران را تحریم کنند، اما اکنون ما ازسوی آمریکا تحریم شده‌ایم که آن هم یکجانبه است. یعنی ما از نوامبر به بعد مورد تحریم رسمی و حقوقی بین‌المللی قرار نمی‌گیریم. تنها تحت تحریم آمریکا قرار می‌گیریم و تعدادی از شرکت‌هایی که با آمریکا مراوده دارند با این کشور همراهی می‌کنند؛ منتها هیچ یک از کشورها و شرکت‌های اروپایی و آسیایی از نظر بین‌المللی ملزم به این کار نیستند. این طور نیست که ۱۰۰ درصد کشورهای که پیشتر ایران را تحریم کردند، دوباره ایران را تحریم می‌کنند.

در واقع شرکت‌هایی که مراوده تجاری با آمریکا ندارند محدودیتی برای همکاری تجاری و اقتصادی با ایران ندارند؟

بله همین طور است. دوباره تاکید می‌کنم، اتفاقی که هم اکنون افتاده این که آمریکا از برجام خارج شده و گفته است می‌خواهد تحریم‌هایی علیه ایران اعمال کند و هر کشوری که بخواهد با ایران ارتباط داشته باشد مشمول این تحریم می‌شود، اما مسئله این است که این اقدام آمریکا طبق قواعد بین‌المللی نیست، بنابراین کشورها مختار هستند از خواست آمریکا تبعیت کنند یا نکنند. اما این طور هم نیست که فکر کنیم همه شرکت‌های دنیا دنباله‌رو سیاست آمریکا هستند، چند هفته پیش در کنفرانسی شرکت کرده بودم که تعدادی از شرکت‌های اروپایی که با آمریکا هم تجارتی ندارند گفتند تمایلی ندارند تجارتشان را با ایران قطع کنند. این شرکت‌ها نه منافی در آمریکا دارند و نه ترسی از تهدیدهای این کشور.

البته باید این را هم بپذیریم که در شرایط تحریم، بسیاری از شرکت‌های خارجی که یا در آمریکا منافع تجاری دارند یا از تهدیدهای این کشور می‌ترسند، ایران را ترک می‌کنند، اما شرکت‌هایی هم هستند که در ایران می‌مانند و هراسی هم از تهدیدهای آمریکا ندارند، این شرکت‌ها تمایل دارند در ایران کار کنند، حال ما باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کنیم که آنها بتوانند با خیال آسوده به فعالیت‌هایشان در ایران ادامه دهند.